

در آسمان دانش بشری ستاره های بی شماری می درخشند که فروغ هریک در شب ظلمانی جهل، کوکب هدایتی برای جویندگان راه مقصود است. یکی از این بی شمار ستارگان، از دیاریست:

که در بوستانش همیشه گلست بکوه اندرون لاله وسنبلیست

او ابوالحسن علی بن ربن طبری است که به گواه سرآمدان دانش و بینش، سرآمد اقران بوده است.^۲ او را طبیب، حکیم و ادیبی ماهر خوانده اند که، آثار مکتوب برجای مانده از وی می تواند محک صدقی بر گفته پیشینیان گردد. در راستای پژوهش در تاریخ و فرهنگ کهن بوم مازندران، این رادمرد دانش و فرهنگ که در خاک مازندران بالید و در هوای خوشگوار آن پرورش یافت معرفی شده و به نکاتی چند از زندگانی و آثارش اشاره خواهد شد که آنان که آثار وی را به زیور طبع آراسته اند و یاد دربار او زبان خامه بر صفحات دانش لغزنده اند توجهی به آن ننموده اند و یا از آن غافل مانده اند.

شرح حال ابن ربن در منابع

صرف نظر از خود علی بن ربن طبری که در دو کتاب «فردوس الحکمه» و «الدین والدوله» دانستنی هایی درباره خود و خانواده اش در اختیار ما قرار داده، نخستین کسی که از وی در آثار خویش یاد کرده هموطن پرکار او محمد بن جریر طبری (د: ۳۱۰ق) بوده است. (طبری، ۱۴۰۳ق: ۲۸۷/۷، ۲۸۸، ۲۹۲، ۲۹۷) طبری در شرح حوادث دوره زمامداری مازیار بن قارن (مقت: ۲۲۵ق) بر مازندران، از فردی به نام علی بن ربن طبری کتاب نصرانی یاد کرده که مازیار برای مذاکره با مخالفانش از او مدد می گرفته است. طبری نه تنها اخباری درباره ابن ربن از روایان شنیده بلکه محضر وی را نیز درک کرده است. او کتاب فردوس الحکمه را نزد وی فرا گرفته و به آن افتخار می کرده است. ابن مطلب را در گفتگویی با شاگردش قاضی ابوبکر احمد بن کامل شجری (د: ۳۵۰ق) بیان داشته که یاقوت (د: ۶۲۶ق) در معجم الادباء آورده است. (حموی، ۱۴۱۱ق: ۵/۲۴۶، ۲۷۳) ادوارد براون از محققان معاصر که درباره ابن ربن طبری تحقیق کرده به استفاده محمد بن جریر طبری از کتاب فردوس الحکمه اشاره کرده است. (۱۳۴۳ش: ۷۳) ولی آلفونس مینگانا^۳ (د: ۱۹۳۷م) تصریح کرده که در معجم الادبای یاقوت حموی سخنی درباره ابن ربن نیافته است. (mingana, p. xiii)

ابن ندیم (د: ۴۳۸ق)، ابن قفطی (د: ۴۴۶ق) و دیگران پس از طبری درباره وی سخن گفته اند ولی داده های ابن ندیم درباره وی اندکست تا آن جا که از ذکر کتاب بسیار مهم «الدین والدوله» غافل مانده و سخنان ابن قفطی نیز نشان می دهد که اصلاً این کتاب را ندیده تا در یابد، ابن ربن پیش از تشرف به اسلام نه یهودی بلکه مسیحی بوده است. (ابن ندیم، ۱۳۵۰ش: ۳۵۴؛ ابن قفطی، ۱۹۰۳م: ۱۸۷) برخی از تراجم نویسان تنها از روی نام ابن ربن خواسته اند دین وی پیش از اسلام را معلوم کنند^۴ (ابن ابی اصیبه، بی تا: ۴۱۴) در حالی که او خود در فردوس الحکمه وجه

۲- محمد بن زکریای رازی، ابو حیان توحیدی، ابوریحان بیرونی، یاقوت حموی، ابن القفطی، ابن ابی اصیبه و دیگران از او به بزرگی یاد کرده اند. برخی از تراجم نویسان زکریای رازی را در سلب شاگردان ابن ربن بر شمرده اند. ولی چنان که مصحح کتاب الدین والدوله یاد آور شده این مطلب با واقعیات تاریخی ناسازگار است چرا که رازی متولد پس از ۲۵۰ هجری قمریست و ابن ربن حداکثر تا ۲۶۰ هجری در قید حیات بوده است. اما مسلم است که رازی از کتاب فردوس الحکمه بهره بسیار برده است. ابو حیان توحیدی نیز در الامتاع والمؤانسه از بزرگی ابن ربن در علم طب سخن گفته است. (بی تا: ۵۸/۱). ابوریحان بیرونی نیز در تحقیق ماللهند از او نام برده است، (۱۴۱۸ق: ۳۲۱). یاقوت از او به حکیم فاضل و عالم به حکمت، ادب و طب یاد نموده است، (حموی، ۱۳۹۹ق: ۲/۴۷۶، ۱۶/۴)

3-Alphonse Mingana

۴- از میان آثار یاد شده تنها چهار اثر (فردوس الحکمه، الدین والدوله، الردعی النصارى و حفظ الصحه) برجای مانده که از میان این چهار اثر نیز حفظ الصحه همچنان به صورت نسخه خطی باقی مانده و به زیور طبع آراسته نشده است. نک: مقدمه فردوس الحکمه به قلم محمد زبیر الصدیقی. ونیز نک: ۴۸-۱۱۳ (۱۹۵۹) ۳۶
Ignace-'Abdo KHALIFE and Wilhelm KUTSCH, Ar-Radd 'ala n-Nasara de 'Ali al-Tabari, in Melangés de l'Université Saint-Joseph Khalil samir, p 28. به نقل از:



چکیده:

احیای هویت تاریخی، فرهنگی یک ملت و یا واحد های کوچکتر درون یک ملت (خرده فرهنگها) موجب ایجاد خودباوری در میان نیروهای جوان فکری خواهد بود. بازشناسی فرهیختگان دانشمند سده های گذشته نه تنها ارزش تاریخی دارد بلکه ابزار مهمی در جهت احیای دانش پژوهی و بهروری عملی خواهد بود. در این راستا نگاهی تازه به یکی از شخصیت های علمی و فرهنگی جهان اسلام انداخته خواهد شد که اهل تبرستان بوده و به تبرستانی بودنش افتخار می کرده است.

واژگان کلیدی: علی بن ربن طبری، فردوس الحکمه، الدین والدوله، تبرستان

نگاهی نو به دانشمند تبرستان، علی بن ربن طبری، مسیحی مسلمان شده در سده سوم هجری

دکتر مصطفی معلمی^۱

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری - گروه تاریخ (moallemeec@gmail.com)

است اما همچنان بر جعلی بودن الدین والدوله اعتقاد داشته است (ibid.p.28) و این در حالی بود که ابن ربن در الدین والدوله به نگارش رساله مذکور تصریح کرده بوده است. بنا به گفته مینگانا «الدین والدوله» در نوع خود از کهن ترین کتابهایی به شمار می رود که یک مسیحی نومسلمان نگاشته است. (mingana.p.viii) با آن که چاپ این کتاب انتقادات شدیدی را متوجه وی ساخت ولی او خود تلاش کرده بود تا نشان دهد ابن ربن این کتاب را به دستور خلیفه عباسی نوشته و در واقع نوعی اجبار و تحمیل در کار تالیف وجود داشته است. (ibid.p.iii, v, ۷) افزون بر این ادعا کرده که حتی برخی عبارات به ابن ربن دیکته شده است! (ibid.p.v)

فردوس الحکمه نیز نخستین بار توسط محمد زبیر الصدیقی به سال ۱۹۲۸ میلادی به چاپ رسید. وی مقدمه ممتعی بر این چاپ نگاشت که، انصافاً تلاش بسیاری نمود تا اهمیت ابن ربن و اثرش را به خوبی نمایان سازد. وی در تصحیح آن از پنج نسخه بهره برده که همین امر موجب غنای هر چه بیشتر کار گردیده است. ظاهراً ادوارد براون نخستین کسی بود که در قرن بیستم میلادی فردوس الحکمه را معرفی کرده است. (۱۳۴۳ش: ۶۹، ۷۳) البته پیش از وی فردی به نام «اجمل خان» نسخه ای از آن را در فهرست کتابخانه رامپور در هند به سال ۱۹۰۲ میلادی یاد کرده بوده است ولی گویا تنها نسخه را معرفی کرده و درباره محتوای آن و مؤلفش چنان که باید اطلاعات نداده است. (ابن ربن، ۱۹۲۸م: ۳۰)

ابن ربن از زبان خودش

ابن ربن در خانواده ای مسیحی زاده شد که پدر خانواده از دانشمندان برجسته زمان خویش به شمار می رفته است. (ابن ربن، ۱۳۹۳ق: ۱۵۴) عموی او نیز از علمای دین نصارا بوده که به گواه ابن ربن در ممالک عراق و خراسان نام او شهره آفاق بوده است. (همو، ۱۸۹) چنان که خود بیان داشته از دوران طفولیت تحت تربیت پدر قرار گرفت و بر

علوم مختلفی چون طب، فلسفه، هندسه و الهیات مسیحی آگاه شد و افزون بر این به زبانهای پارسی، تازی، عبری، هندی و سریانی و اندکی یونانی تسلط یافت^{۱۲}. از آن جا که دوران دانش اندوزی را در تبرستان سپری کرده این امر نشان می دهد که این ناحیه از ظرفیت های آموزشی بسیار بالایی برخوردار بوده که چنین دانشمندان برجسته ای دوران طفولیت و صباوت و نوجوانی را که طلایی ترین دوران عمر برای یادگیریست در این ناحیه گذرانده اند.

چنان که گذشت وی در بزرگسالی به خدمت اسپهبدان تبرستان در آمد و در سازمان اداری آنان به شغل کتابت منصوب شد. (طبری، ۱۴۰۳ق: ۲۸۷/۷؛ ابن ربن، ۱۹۲۸م: ۲) او در مقدمه فردوس آورده که مواد اولیه برای نگارش این کتاب را هنگامی گرد آورده که به شغل کتابت پادشاه سرزمینش اشتغال داشته و اوقات فراغت را به جای استراحت به گردآوری مطالب این کتاب گذرانده است. (همان) از این سخن می توان به این نکته رهنمون شد که در تبرستان قرن دوم هجری امکان دسترسی به کتب طب، فلسفه و هندسه وجود داشته است.

از آن جا که گرایش اهالی تبرستان به اسلام روندی آهسته ولی پیوسته داشته، مباحثات و مجادلات علمی فراوانی درباره حقانیت ادیان در این ناحیه رواج یافته و ذهن علی بن ربن نیز به این امر مشغول بوده است. چنان که خود در «الدین والدوله» آورده و پیش از پیوستن به اسلام و نیز عمویش و دیگر نصارا، در بحث چیرگی اسلام در اندک زمانی بر مناطق وسیعی از جهان، بر این باور بوده اند که این امر دلیل حقانیت اسلام نیست و چیرگی امری مشترک میان اقوام و ملل مختلف است که گاهی ممکن و گاهی ناممکن می شود^{۱۳}. (ابن ربن، ۱۳۹۳ق: ۱۰۸) به هر روی این مساله نشان می دهد که پذیرش اسلام در این ناحیه با مباحثات و مناظرات و استدلالات همراه بوده و دلیل تأخیر پذیرش اسلام در این ناحیه، نه روحیه بیگانه ستیزی بلکه آزاداندیشی بوده است. پس از شورش مازیار بر ضد حکومت عباسی و اعمال قساوت های

۱۲- ابن امر از مطاوی دو کتاب وی به روشنی به دست می آید.

۱۳- البته ابن ربن خود در این کتاب و در همین صفحه که اعلام شد بیان داشته که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یتیم، فقیر و گمنام بود ولی توانست به فضل و مدد الهی اسلام را در شبه جزیره عربستان مستقر سازد و این دلیل حقانیت اسلام بوده و خواهد بود.

نامگذاری پدرش به ربن را به روشنی بیان کرده است. (۱۹۲۸م: ۱) به هر روی مهمترین منبع درباره شرح حال او همان دو کتاب یاد شده است. نگارنده در تلاش برای یافتن مطلبی تازه در میان منابع کهن موفق به رسیدن به دو خبر از ابن ربن شده است. نخستین خبر از کتاب عقد الفرید نگاشته ابن عبد ربه اندلسی (۵: ۳۲۸ق) است. وی به نقل از ابراهیم بن محمد (احمد) شیبانی کاتب^۵ آورده است: «ولست اجد لحسن الحظ حدا اقف علیه اکثر من قول علی بن ربن، النصرانی الکاتب، فانی سالته واستوصفته الخط، فقال: اعلمک الخط فی کلمه واحده، فقلت له: تفضل بذلک فقال: لا تکتب حرفاً حتی تستفرغ مجهودک فی کتابه الحرف، وتجعل فی نفسک انک تکتب غیره حتی تعجز عنه، ثم تنتقل، الی مابعدہ. وایاک والنقط والشکل فی کتابک الا ان تمر بالحرف المعضل الذی تعلم ان المكتوب الیه یعجز عن استخراجہ فانی سمعت سعید بن حمید بن عبد الحمید، الکاتب یقول: لان یشکل الحرف عن القاریء احب الی من ان یعاب الکتاب بالشکل»^۷. (۱۴۰۷ق: ۴/۲۵۵) این عبارات جایگاه ابن ربن را در میان کاتبان و خطاطان به خوبی روشن می سازد و نشان می دهد تمجید ابن اسفندیار از وی بی دلیل نبوده است. خبر دوم از کتاب اللطف واللطائف نگاشته ثعالبی نیشابوری (۵: ۴۲۹ق) است. وی در باب هفتم پیرامون لطائف فلاسفه و اطباء آورده است: «علی بن ربن الطبری کان یقول: علیک باربعه واجتنب ثلاثه؛ علیک بالدمم والحلاوه والحمام والطیب، واجتنب ثلاثه: الغبار والدخان والتتن. وکان یقول: الطیب الجاهل مستحث الموت»^۸. (۲۰۰۲م: ۱۰) ناگفته پیداست ابن ربن در اذهان

فرهیختگان سده های بعد اعتبار ویژه ای داشته است. منابع، کتابهای متعددی را جزء تالیفات وی برشمرده اند که از این قرارند: فردوس الحکمه، الامثال، بحر الفوائد، تحفه الملوک، حفظ الصحه، ارفاق الحیاه، کناش الحضرة، منافع الاطعمه والاشربه والعقاقیر^۹. (ابن ابی اصیبعه، بی تا: ۴۱۴) عجیب آن که هیچ یک از منابع کهن تا آنجا که نگارنده تتبع کرده نامی از کتاب الدین والدوله به میان نیاورده اند. کتابی نیز به نام «الرد علی اصناف النصارى» به رشته تحریر در آورده بود که در الدین والدوله به آن اشاره کرده است ولی از این کتاب نیز در منابع کهن نامی به میان نیامده است. (ابن ربن، ۱۳۹۳ق: ۱۵۴). الدین والدوله به کوشش «مینگانا» به سال ۱۹۲۲ میلادی از روی یک نسخه منحصر به فرد که در سال ۶۱۶ هجری استنساخ شده بود، به چاپ رسید و سال بعد، وی ترجمه انگلیسی آن را نیز منتشر کرد. چنان که سمیر خلیل (تو: ۱۹۳۸م) نوشته است چاپ این اثر پیامدهایی را در پی داشته است. دوازه ب یسوعی به نامهای «پل پیترز»^{۱۰} (۵: ۱۹۵۰م) و موریس بویجز^{۱۱} (۵: ۱۹۵۱م) به ترتیب در سالهای ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ میلادی با نوشتن مقالاتی اصالت نسخه را زیر سوال برده و مدعی جعلی بودن آن شدند. (Khalil Samir SJ, p.27) استحکام مباحث و استدالات ابن ربن طبری چنان قوی بود که کسی از عیسویان قادر به پاسخگویی به آن نبود و در نتیجه به جای پاسخ، چاره ای جز انکار اصالت این اثر ندیدند! شگفت این که «بویجز» خود چند سال بعد در استانبول نسخه ای از کتاب ویا رساله «الرد علی النصارى» نوشته ابن ربن را یافته و به چاپ رسانده

۵- ابراهیم بن محمد شیبانی متولد ۲۲۳ هجری و متوفای ۲۹۸ هجریست که در حکومت اغلبیان و فاطمیین به کتابت اشتغال داشته است. (زرکی، ۱۹۸۰م: ۶۰/۱)

۶- وی از کاتبان و شاعران سده سوم هجری بوده که ظاهراً ابن ربن وی را دیده و نه ابراهیم مذکور چرا که سعید حوالی سالهای ۲۴۰ تا ۲۵۰ هجری از دنیا رفته و بعید است که ابراهیم با او ملاقات کرده باشد. (همو، ۹۳/۳)

۷- ترجمه: «من نمی توانم بیش از آن چه علی بن ربن نصرانی کاتب درباره نیکویی خط گفته بگویم! همانا از او پرسیدم و خواستم که خطاطی را توصیف کند، پس گفت: آیا خطاطی را در یک جمله به تو تعلیم دهم؟ پس گفتم: بفرماید! پس گفت: حرفی ننویس تا آن که تمام تلاشت را در نگاشتن آن مصرف داری و به خود بگویی که چیزی جز این کار نمی دانی تا آن که در آن عاجز نشوی! آن گاه به سراغ کار دیگر برو! و مبادا در نوشتن نقطه گذاری نمایی! مگر آن که حرف دشواری باشد که بدانی مخاطب تو آن را در نخواهد یافت، چرا که از سعید بن حمید بن عبد الحمید کاتب شنیدم که می گفت: اگر خواندن حرفی بر مخاطب دشوار شود بهتر است از آن به سبب نقطه گذاری بر نوشته خرده بگیرند!».

۸- ترجمه: «علی بن ربن طبری می گفت: بر چهار چیز مداومت کن و از سه چیز پرهیز! بر چربی، شیرینی، حمام و بوی خوش مداومت کن و از گرد و غبار، دود و بوی بد پرهیز کن! و نیز می گفت: پزشک نادان مرگ را به ارمغان می آورد!».

۹- حسن بن بهلول (د: نیمه قرن چهارم هجری) در کتاب الدلائل مطلبی را از علی بن ربن درباره نحوه مداوای ثللول (دمل) نقل کرده که در فردوس الحکمه وجود ندارد و این مطلب نشان می دهد کتب دیگر طبی وی نزد دانشمندان سده چهارم هجری موجود بوده و از آن استفاده می کرده اند. (۱۴۰۸ق: ۳۲۴)

10-Paul Peeters

11-Maurice Bouyges

کرده مبنی بر این که بیعت با او امری ناگهانی و بدون مشورت قبلی (فلته) صورت پذیرفته است!^{۱۶} (ابن ربن، ۱۳۹۳ق: ۱۱۵)

دوم آن که دیگر جمله‌ی معروف خلیفه اول مبنی بر طلب اقاله (اقیلونی! اقیلونی!) بیعت را نیز نقل کرده است!^{۱۷}

سوم آن که اعتراف خلیفه‌ی اول را مبنی بر این که عمر او رادر کار خلافت افکنده نیز نقل کرده است!^{۱۸} (همو، ۱۱۶)

چهارم آن که در عین اشاره به خوبیهای عمر، خشونت شخصیت وی را نیز نشان داده است!^{۱۹} (همان)

پنجم آن که در این بخش مورد اشاره، از خوبیهای خلیفه سوم هیچ سخن نگفته بلکه به عمر بن عبدالعزیز و عبدالله بن عمر اشاره کرده که این خود جای سوال است که چرا از عثمان یکی از خلفای راشدین سخن نگفته است؟! گویا که به باور او وی فاقد آن بوده است!

ابن ربن با بیان این امور اثبات کرده که از وقایع صدر اسلام با خبر بوده و ناگاهانه به این کیش نگرویده است. از سوی دیگر نشان داده که مشی کلی عباسیان و باگرایش‌های ضد علوی آنان تأثیری در وی نداشته و او با آزادمنشی از علی و فاطمه علیهما السلام سخن به میان آورده است. (همو، ۱۱۹) در حالی که مخدوم وی متوکل عباسی نه تنها ارادت به آن حضرات علیهما السلام نداشته بلکه وقیحانه آنان را مسخره کرده و فرزندانشان را به خاک و خون می کشیده و حتی قبر حسین بن علی علیهما السلام را تخریب کرده

و شخم زده است!

به نظر می رسد وجاهت علمی و مناعت طبع ابن ربن طبری مانع از تعرض عباسیان به وی می شده و نیاز آنان به این شخصیت معروف وی را از گزند آنان محفوظ نگاه می داشته است.

غم غربت (Nostalgia) در نهاد ابن ربن طبری

نکته دیگر درباره علی بن ربن، اشتیاق زائدالوصف وی به تبرستان است که در خلال دواثر بر جای مانده از او به خوبی نمایان است. کمتر مؤلفی را می توان یافت که در کتابی که موضوعش چندان ارتباط مستقیمی با وطن مالوفش نداشته این قدر به مثل ابن ربن از وطنش یاد کرده باشد!^{۲۰} ابن ربن اساساً عدم اشتیاق خویش به ترک وطن مالوف رادر مقدمه فردوس الحکمه با عباراتی شیواییان کرده است: «... عرض لی حادث من الدهر از عجنی عن بلدی...»^{۲۱}. او در این کتاب به مناسبت های مختلف زادگاه و وطن محبوبش را یاد کرده، گویا که جایی غیر از تبرستان نمی شناسد! حتی در الدین والدوله نیز به دنبال فرصتی بوده تا از تبرستان یاد کند و چنین نیز کرده است! (ابن ربن، ۱۳۹۳ق: ۱۳۶)

این روحیه الگویی برای آن نخبگانی خواهد بود که پس از رشد و بالندگی در دامان امام میهن دل به بیگانه سپرده و یاد و نامی از وطن خویش نمی کنند! علی بن ربن طبری نمونه یک وطن دوست و بالندگی در دامان امام میهن دل به بیگانه سپرده و یاد و نامی از وطن خویش نمی کنند!

دوست و بالندگی در دامان امام میهن دل به بیگانه سپرده و یاد و نامی از وطن خویش نمی کنند! علی بن ربن طبری نمونه یک وطن دوست و بالندگی در دامان امام میهن دل به بیگانه سپرده و یاد و نامی از وطن خویش نمی کنند!

۱۶- حدیث فلتنه در میان محدثان بسیار مشهور است و از آن جهت که متواتر بوده عده کثیری از محدثین و متکلمین در صدد توجیه محتوای آن برآمده اند. نک: (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۲/۲۶)

۱۷- حدیث استقاله نیز از مشهورات میان محدثین بوده که بحث های بسیاری به دنبال داشته است. نک: (همو، ۹/۱-۱۶۸)

۱۸- از این امور نمی توان به سادگی گذشت. به نظر می رسد ابن ربن زیرکانه به بنیادی ترین ایرادات حکومت خلفای اولیه پرداخته ولی در قالبی که حساسیت برانگیز نباشد!

۱۹- ابن ابی الحدید جملات عجیبی درباره خشونت ذاتی خلیفه دوم بین کرده که عیناً نقل می شود: «واعلم ان هذه اللفظه من عمر مناسبه للفظات کثیره کان یقولها بمقتضی ما جبله الله تعالی علیه من غلط الطینة و جفاء الطبیعة، ولا حيلة له فیها، لانه مجبول علیها لا یستطیع تغییرها، ولا رب عندنا انه کان یتعاطی ان یتلطف، وان یخرج الفاظه مخارج حسنه لطیفه، فینزع ع الطبع الجاسی، والغریزه الغلیظه الی امثال هذه اللفظات، ولا یقصد بها سوء، ولا یرید بها ذما ولا تخطفه، كما قدمنا من قبل فی اللفظه التي قالها فی مرض رسول الله صلی الله علیه وآله، وكاللفظات التي قالها عام الحدیبیة و غیر ذلك والله تعالی لا یجازی المکلف الا بما نواه، ولقد كانت نیته من اطهر النیات واخلصها لله سبحانه وللمسلمین» ترجمه: و بدان که این سخن (اشاره به سخن عمر که بیعت با ابوبکر ناگهانی بود و هرگاه کسی بخواهد بار دیگر این گونه بیعت بگیرد او را بکشید) از عمر همانند سخنان بسیار دیگریست که بر اساس فطرت خشن و طبیعت تند خوئی خدا داد پیش بر زبان جاری می ساخته و او هیچ چاره ای نداشته چرا که فطرتش این گونه بود و توانایی تغییر آن را نداشت! شک نداریم که او اقدام به نرم خوئی می کرد و تلاش داشت تا سخنان نیکو بگوید و طبیعت خشک و تمایلش به این گونه سخنان را برکند! او قصد بدی نداشت و نمی خواست ابوبکر را سرزنش و یا تخطفه کند چنان که پیش از این درباره جمله ای که هنگام بیماری رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته بود سخن راندیم و یا کلماتی که در صلح حدیبیه گفته بود، و خداوند بزرگ بنده را جز به نیتش کیفر نمی دهد! همانا نیت او از پاکترین و خالص ترین نیت ها برای خدا و مسلمانان بوده است! (همو، ۲/۲۷)

۲۰- ابن ربن در فردوس الحکمه بیش از سی بار از تبرستان یاد کرده است.

۲۱- ترجمه: «... پیشامدی مرا مجبور به ترک وطن ساخت...».

هجری چشم از جهان فرو بست. (بغدادی، ۱۹۵۱م: ۶۶۹/۱)

ابن ربن از منظری دیگر

با آن که ابن ربن سالها به کیش نصرانیت، میان مسلمانان آن هم در جایگاه دولتی و مهم می زیسته است، ولی نام مسیحی وی دانسته نیست. نه خود او و نه هموطن معاصر و شاگردش ابن جریر طبری به نام پیش از مسلمانی وی اشاره نکرده اند، در حالی که بسیار طبیعی می بود اگر نام مسیحی وی دانسته می شد. نکته دیگری که نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت انتخاب نام علی و کنیه ابوالحسن برای دانشمند محترمی چون اوست. مشهور و مستند است که متوکل عباسی دشمنی و کینه ای مثال زدنی نسبت به علی بن ابی طالب علیهما السلام و شیعیان داشته و همین امر نیز پسرش منتصر را بر آن داشت تا در کنار دیگر انگیزه های شخصی اش دست به کشتن متوکل زند!^{۱۴} (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۵۵/۷؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق: ۱۸/۱۷) حال برای نگارنده جای تعجب است که چگونه این مسیحی تازه مسلمان شده آن هم با همت و تشویق متوکل عباسی، نام علی و کنیه ابوالحسن برای خود انتخاب کرده است!^{۱۵} البته برخی منابع آورده اند که وی در زمان معتصم عباسی به اسلام گروید. (ابن ندیم، ۱۳۵۰ش: ۳۵۴) که در این صورت جای تعجب نخواهد بود چرا که گرایش ظاهری مامون، معتصم و الواثق به علی علیه السلام معروف بوده است.

نکته ی دیگر این که با آن که ابن ربن در کتاب الدین والدوله در صدد پرداختن به اختلافات مسلمانان پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نبوده ولی در بحث درباره عظمت شخصیت اصحاب و با حواریون آن حضرت صلوات الله علیه و آله به اموری اشاره کرده که بسیار عجیب به نظر می رسد.

نخست آن که، جمله معروف و مستند خلیفه اول ابو بکر را نقل

بسیار از جانب وی در حق مسلمانان تبرستان و متعاقب آن سرکوبی وی به دست خویشاوندش کوهیار و نیز سپاه معتصم خلیفه عباسی به سال ۲۲۵ هجری، علی بن ربن مجبور به ترک تبرستان شد. (طبری، ۱۴۰۳ق: ۲۹۲/۷-۲۹۷) معتصم (حک: ۲۱۷-۲۲۷ق) او را به خدمت گرفت و کار کتابت در دیوان انشاء علی رغم میلش به وی داده شد. (ابن ربن، ۱۹۲۸م: ۲) گویا همین عدم تمایل موجب شده تا مکتوبات او در دیوان خلیفه عباسی لطافت و فصاحت و بلاغت گذشته را نداشته باشد. همین مسئله موجبات اعتراض و تعجب نزدیکان خلیفه را برانگیخت. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶ش: ۹۱)

ابن ربن همچنان در دستگاه خلافت عباسیان در سامراء بود تا آن که خلافت پس از معتصم به سال ۲۲۷ هجری به هارون الواثق بالله و پس از او به سال ۲۳۲ هجری به جعفر المتوکل علی الله رسید. گویا منزلت ابن ربن در این زمان رفعت یافت و به حلقه نزدیکان خلیفه وارد شد. او در دوره خلافت متوکل مسلمان شد و افزون بر این کتابی در اثبات پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله نگاشت تا حجت را بر هم کیشان پیشین خویش تمام کند و بگوید که از روی دلیل و برهان به آغوش اسلام خرامیده است. گرچه او کتاب را به نام خلیفه موشح گردانیده و منت پذیر او گشته ولی نباید از نظر دور داشت که ابن ربن به هنگام خلافت متوکل حداقل شصت بهار را پست سر گذاشته و خرمنی از دانش های مختلف علمی را در مرغزار اندیشه اش گرد کرده بود. او نیازی به علم خلیفه ی میان سال نداشت که حداکثر سی و اندی زمستان را سپری کرده بود. عبارات ابن ربن نیز گویای این نکته است که متوکل مشوق وی در پذیرش اسلام بوده ولی بخش تفکر و تعقل بر عهده خود او و هدایتش به فضل الهی بوده است. برابر نظر برخی از تراجم نویسان «علی بن ربن» حوالی سال ۲۶۰

۱۴- البته متوکل عباسی از سال چهارم خلافتش دشمنی خود با اهل بیت علیهم السلام را علنی ساخت و دستور داد تا مقبره امام حسین علیه السلام را تخریب و زمین آن را کشت و زرع نمایند. ابن ربن کتاب فردوس الحکمه را در سال سوم خلافت متوکل به پایان برد و احتمال بسیار نیز می رود که الدین والدوله را نیز پیش از آن نگاشته باشد. (ابن ربن، ۱۳۹۳ق: ۲)
۱۵- ممکن است گفته شود علی بن جهم شاعر ناصبی هم ندیم متوکل بوده و این که نامش علی بوده ارتباطی با ناصبی بودنش ندارد ولی نباید از نظر دور داشت که نام علی بن جهم را والدینش بر او نهاده اند ولی ابن ربن پس از پنجاه سالگی مسلمان شد!

الف) فارسی و عربی

- ۱- ابن ابی اصیبه، موفق الدین ابوالعباس احمد بن قاسم سعدی خزر جی، بی تا، عیون الانباء فی طبقات اطباء، تحقیق نزار رضا، بیروت: دار مکتبه الحیاه
- ۲- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله بن محمد بن الحسین، ۱۳۷۸ق. شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- ۳- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن، ۱۳۸۵ق. الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر
- ۴- ابن اسفندیار، بهاء الدین محمد بن حسن، ۱۳۶۶ش. تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، تهران: انتشارات کلاله خاور
- ۵- ابن بهلول، حسن، ۱۴۰۸ق. کتاب الدلائل، تحقیق یوسف حبی، کویت: المنظمه العربیه للتربیه والثقافه والعلوم.
- ۶- ابن ربیع طبری، ابوالحسن علی، ۱۳۹۳ق. الدین والدوله، تحقیق عادل نویهض، بیروت، دار الافاق الجدیده
- ۷- _____، ۱۹۲۸م. فردوس الحکمه، تحقیق و تصحیح محمد زبیر الصدیقی، برلین: نشر آفتاب
- ۸- ابن عبدربه اندلسی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷ق. عقد الفرید، تحقیق عبدالمجید الترحینی، بیروت: دار الکتب العلمیه
- ۹- ابن قفطی، جمال الدین ابی الحسن، بی تا (افست از چاپ لایپزیک، ۱۹۰۳م)، تاریخ الحکماء، تصحیح ژول لیبر، بغداد: مکتبه المثنی
- ۱۰- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ۱۳۵۰ش. الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران: مؤلف
- ۱۱- ابو حیان التوحیدی، علی بن محمد بن عباس، بی تا. الامتاع والمؤانسه، تصحیح احمد امین واحمد الزین، قم: منشورات شریف رضی
- ۱۲- البخاری، ابو نصر، ۱۴۱۳ق (افست از روی چاپ نجف، مطبعه حیدریه، ۱۳۸۱ق)، سر السلسله العلویه، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، قم: انتشارات شریف رضی
- ۱۳- براون، ادوارد، ۱۳۴۳ش. طب اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۱۴- بغدادی، اسماعیل پاشا، بی تا (افست از چاپ استانبول، ۱۹۵۱م)، هدیه العارفین، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- ۱۵- بیرونی، ابوریحان، ۱۴۱۸ق (افست از چاپ حیدرآباد هند)، تحقیق ما للهند من مقوله مقبوله فی العقل امر ذوله، قم: انتشارات بیدار
- ۱۶- ثعالبی نیشابوری، ابو منصور عبد الملک بن محمد، ۲۰۰۲م، اللطف واللطائف، تحقیق محمود عبدالله الجادر، بغداد: دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد
- ۱۷- حموی، یاقوت، ۱۴۱۱ق. ارشاد الاریب الی معرفه الادیب (معجم الادیب)، بیروت: دار الکتب العلمیه
- ۱۸- _____، ۱۳۹۹ق. معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- ۱۹- زرکلی، خیر الدین، ۱۹۸۰م. الاعلام، بیروت: دار العلم للملایین
- ۲۰- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، ۱۴۰۷ق. تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی
- ۲۱- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۳ق. تاریخ الرسل والملوک، بیروت: مؤسسة الاعلمی

ب) منابع لاتین

- 1-Khalil Samir, ALPHONSE MINGANA (1878-1937) and his contribution to early Christian-Muslim Studies, Selly Oak Colleges Birmingham B29 6LQ United Kingdom, 1990.
- 2-Mingana, Alphonse, The Book of Religion and Empire. A semi-official defence and exposition of Islam ... by 'Ali Tabari. Translated with a critical apparatus by A. Mingana. D.D. Manchester University Press, 1922.

سرافراز ساخت. او در سرزمینی به دنیا آمد که پیروان ادیان الهی آزادانه در کنار یکدیگر می زیستند^{۲۲} و از بحث و مباحثه و اهمه ای نداشتند و او پیوسته با یاد این سرزمین گویی میان اقران خویش به تبرستانی بودنش مباحثات می کرده است! افسوس که تبرستان امروز هویت تاریخی خویش را در هزارتوی حملات بیگانگان بدسگال گم کرده و نمی داند که این سرزمین نسیان زده روزی مهد علم، دانش، فرهنگ و هنر بوده است! نگارنده به مدد الهی در مجالی دیگر شرح درد هویت پاره پاره شده این کهن زادبوم را بر زبان خامه جاری خواهد ساخت، بمنه و کرمه.

نتیجه

ابن ربن طبری فرهیخته ای روشن ضمیر بوده که با وجود عظمت شخصیت و دانش پر دامنه اش به درستی در میان ایرانیان معاصر عموماً و طبرستانی ها خصوصاً شناخته نشده است. با آن که مقدم بر زکریای رازی و ابن سینا بوده و نیز با آن که یک مسیحی مسلمان شده بود ولی حق وی چنان که شایسته اش بود ادا نشده است.

او از این که بگوید تبرستانی است هیچ ابایی نداشت بلکه به آن افتخار می کرده است. کتاب الدین والدوله او سزاوار توجه بیشتر است چرا که امروزه در میان نسل جوان نسبت به سستی بنیان های فکری مسیحیت و یهودیت نا آگاهی وجود دارد. رجوع به این کتاب و یا کتاب های همسان می تواند همه از جنبه تقویت هویت تاریخی و هم از جهت آگاهی بر ضعف معرفتی ادیان تحریف شده بسیار مفید واقع گردد. نگارش این کتاب به نام متوکل عباسی نباید ما شیعیان را به فاصله گرفتن از این کتاب وادارد.

۲۲- یهودیان نیز در تبرستان زندگی می کرده اند. در منابع سده چهارم هجری از مقابر یهود در ساریه سخن به میان آمده است. (البخاری، ۱۴۱۳ق: ۲۷)